دفترِ فرنگ ۲۰

رضا اسپیلی

اشاره‌یی به:
فانتاسماگوری، امیل کُهل، بهار خاموش، راشل کارسون، بوم‌شناسی سیاسی، دریای پیرامون ما، فلورئال رومرو، اندیشه‌ی بوم‌شناسی اجتماعی و مورای بوکچین، فردریک گرابر، فابین لوشر، انبازه، تملک طبیعت، محیط‌زیست و مالکیت در تاریخ، الن دونو، اقتصاد طبیعت، پاورقی نظری ۱، رمون دپاردن، سه‌گانه‌ی تصویری از روستا، دومینیک بنیکتی، فیلم عمو ژول، ژرژ رُکیه، فیلم فاربیک یا چهار فصل، یوهان دُبیژُن، دمکراسی شورایی، بررسی خاستگاه مدرن خودگردانی

د د ت، آرن نس، بوم‌شناسی ژرف‌نگر، مونسانتو، کِندی، شهرداری لیبرتر، دولت-ملت، برادران لومیر، آژانس مگنوم، کمون پاریس، انقلاب ۱۹۱۹ آلمان، شوراهای روسیه و مجارستان، آنتون پانه‌کوک، کارل کُرش، کورنلیوس کاستوریادیس، میگل ابنسور، زاپاتیستا، جنبش جلیقه زردها

راشل کارسون

جامعه‌ی فرانسه از دیرباز مأمن پرجنب‌وجوش هنرها و علوم بوده است. چه بسیار جنبش‌ها و سبک‌های ادبی و هنری و علمی که از این کشور برخاسته‌اند. گذر روزگار از شدت و حدت این جنب‌وجوش نکاسته است.

نگارنده‌ی این وجیزه‌ها که به‌مرور منتشر و با عنوان «دفتر فرنگ» به شما تقدیم می‌شود، مانند هر ذهن مشتاق و جست‌وجوگری، از دیدن این پویایی به شعف آمده و خوش‌تر آن دید که شادمانی‌ش را با ذهن‌های بی‌شمار مشتاق و جست‌وجوگر در ایران شریک شود.

نوشته‌ها به اختصار به معرفی رمان‌ها، کتاب‌ها (بیشتر در زمینه‌ی علوم انسانی و ادبیات و هنرها) و فیلم‌ها می‌پردازند. گاه به نکته‌های مشترک دو یا چند کتاب یا یک کتاب و یک فیلم در قالب یک نوشته اشاره شده. در همه‌ی موارد کوشش شده تا اختصارِ متن حفظ شود اما نکته‌های مهم و اساسیِ آثار از قلم نیفتند. گمان می‌رود که بیشترِ آنچه در اینجا معرفی می‌شود به فارسی ترجمه نشده باشد اما این چیزی را تغییر نمی‌دهد، چراکه هدف آشناییِ خواننده‌ی ایرانی با نبض تپنده‌ی فرهنگ در یکی از کانون‌های فرهنگی امروز دنیاست. چه بسا از این رهگذر نکته‌یی در ذهنی یا شوقی در جانی برانگیزد. اگر اندکی ازپویایی فضای اینجا به آنجا منتقل شود که چه بهتر!

فیلم انیمیشن *Fantasmagorie*, by Émile Cohl, France, 1908, 78 min.

فانتاسماگوری (به معنای رشته تصاویر خیالی (یا واقعی) که از پی هم می‌آیند، مانند آنچه به خواب یا وقتی در بیداری به رویا می‌شویم می‌بینیم) ساخته‌ی کارگردان فرانسوی امیل کُهل (۱۹۰۸) را تاریخ‌دانان سینما نخستین فیلم انیمیشن تاریخ سینما می‌دانند. کهل ابتدا طرح‌هایی با مداد سیاه روی کاغذ سفید کشیده و بعد آنها را چاپ نگاتیو کرده است؛ این حس به بیننده دست می‌دهد که دارد سری طرح‌هایی را می‌بیند که با گچ روی تخته سیاه کشیده شده‌اند.

لینک فیلم در یوتیوب: https://youtu.be/aEAObel8yIE?si=Tc_r5bV_mJhBLul3

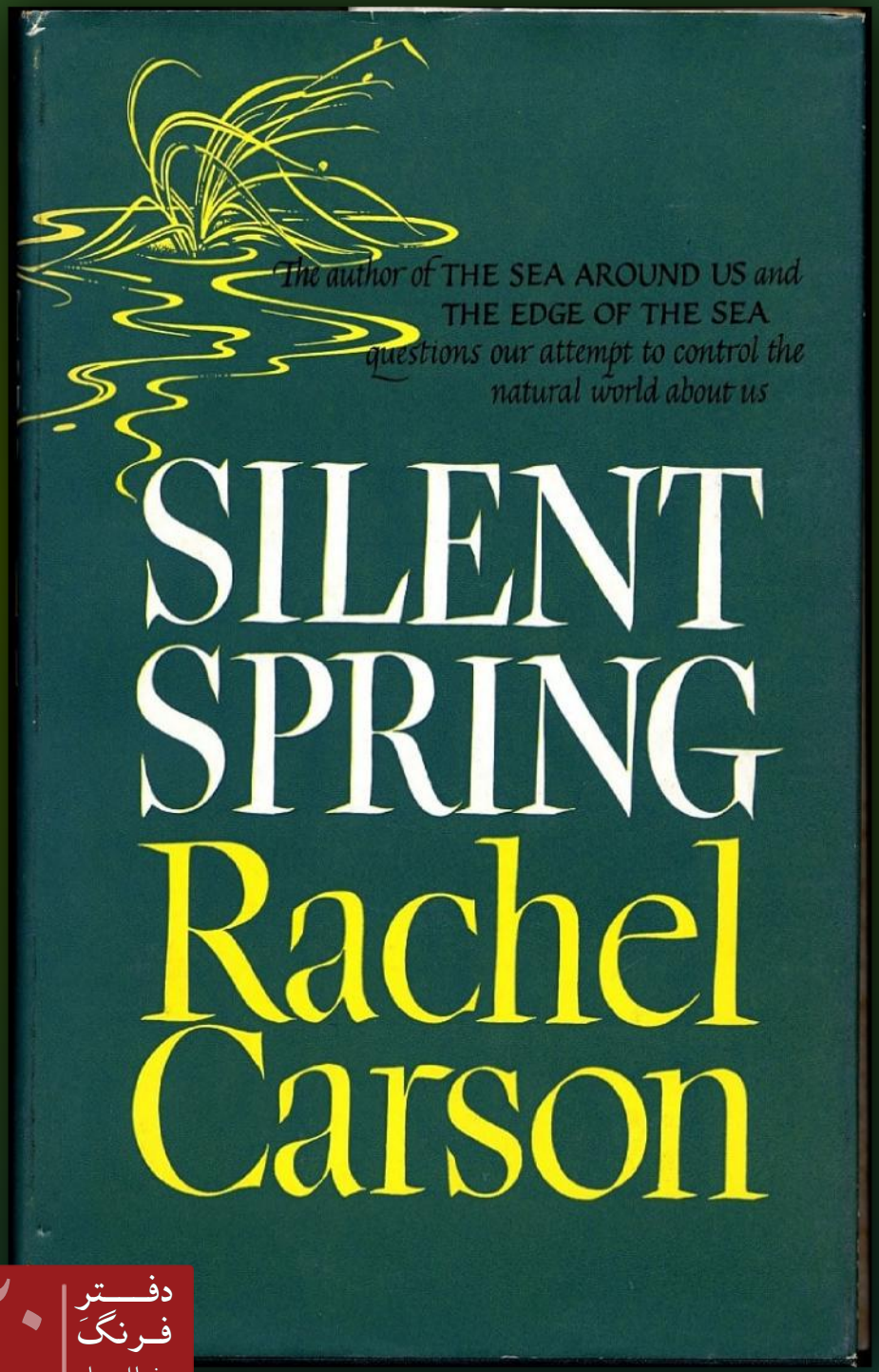

کتاب

Rachel Carson, *Silent Spring*, Houghton Mifflin, Boston, 1962.

«یکی بود، یکی نبود، روزی روزگاری در شهر کوچکی در ناف آمریکا همه‌چیز در هماهنگی کامل با محیط اطرافش می‌گذشت اما (...) ناگهان مشکل غریبی پیش آمد (...) سکوتی بر فضا چیره شد، پرنده‌ها، پرنده‌ها کجا رفته بودند؟»

کتاب بهار خاموش نوشته‌ی بانوی بوم‌شناس امریکایی، راشل کارسون این‌گونه آغاز می‌شود. کارسون در جریان پژوهش‌هایش که ده سالی طول می‌کشد متوجه می‌شود که سال به سال از تعداد پرنده‌ها بویژه عقاب سر سفید ـ همان پرنده‌ی نماد امریکا ـ کم می‌شود تا آنجا که کاهش جمعیت آنها نگران‌کننده شده است. پژوهش‌هایش او را به این نتیجه می‌رساند که مشکل از سموم دفع آفات است. او این سموم را «زیست کُش (=biocide)» می‌نامد و می‌نویسد که انسان با سم پاشیدن به گیاهان در واقع خودش را مسموم کرده است. کارسون با انتشار کتاب بهار خاموش خود را به‌عنوان یکی از نخستین زنهاردهندگان به رفتار مخرب کشورهای توسعه‌یافته با کشاورزی و فراتر از آن به‌عنوان پایه‌گذار بوم‌شناسی سیاسی تثبیت کرد. او موقع انتشار کتاب ۵۴ ساله و بوم‌شناس دریا بود و تا آنموقع سه کتاب مهم دیگر نوشته بود که یکی از آنها با عنوان دریای پیرامون ما جایزه‌ی ملی کتاب آمریکا را که جایزه‌ی معتبری است ربوده بود. اما با بهار خاموش بود که دانشِ بوم‌شناسی به حیطه‌ی سیاست وارد شد. از آن به بعد بود که ترم «محیط زیست (=environment)» وارد دایره‌ی واژگانِ سیاست عمومی شد. از آنجا که این کتاب نخستین کتابی است که از آسیب‌های سموم دفع آفاتِ گیاهی و بویژه د د ت سخن به‌میان آورد، ما امروز ممنوعیت استفاده از د د ت و بعدها مواد آسیب‌زای مشابه آن را مدیون این‌کتاب هستیم.

در اهمیت کار راشل کارسون باید اشاره کرد که آرن نس (Arne Næss)، که پدر «بوم‌شناسی ژرف‌نگر» لقب گرفته ـ جریانی که قائل به ارزش ذاتی طبیعت است، مستقل از منفعتش برای انسان ـ این لقب را شایسته‌ی کارسون می‌داند.

البته می‌توانید تصور کنید که صاحبان صنعت دفع آفات و تولید کنندگان د د ت بیکار ننشستند و برای مثال شرکت چند ملیتی مونسانتو با سفارش چاپ مقاله‌یی در روزنامه‌های امریکا، کوشید تاثیر کتاب را با این جمله‌ها خنثا کند: «یک لحظه آمریکای بدون سموم دفع آفات را تصور کنید: آمریکایی که حشرات تسخیرش کرده‌اند، حشرات از هر نوع، مردم گرسنه اند و مرض مالاریا برگشته» در همان مقاله این ترهات را هم اضافه می‌کنند که «چطور است که مولف که پیردختری لزبین است دلش برای طبیعت سوخته» و چه و چه. خوشبختانه این کوشش‌ها کارگر نیفتاد و موفقیت کتاب، کِندی، رئیس جمهور وقت امریکا، را بر آن داشت تا کمیسیونی را مامور بررسی آسیب‌های سموم دفع آفات برای سلامت انسان کند و آن کمیسیون نتیجه‌گیری راشل کارسون در کتاب بهار خاموش را تایید کرد.

کتاب

1. Floréal M. Romero, *Agir ici et maintenant*. Penser l'écologie sociale de Murray Bookchin, Éditions du Commun, Rennes, 2019.

2. Frédéric Graber et Fabien Locher (sous la dir. de), *Posséder la nature*. Environnement et propriété dans l'histoire, Éditions Amsterdam, Paris, 2018.

3. Alain Deneault, *L'Économie de la nature*. Feuilleton théorique I, Lux, Montréal, 2019.

نگریستن به مساله‌ی محیط زیست به‌مثابه امری طبیعی و همزمان اجتماعی در مرکز توجه سه اثر بالاست که در تحلیل‌های‌شان از آرای مورای بوکچین و بویژه «بوم‌شناسی اجتماعی» او سود جسته‌اند که در پیِ تثبیت نظریِ برهم‌کنش انسان با محیط اطرافش است. فلورئال رومرو در اندیشه‌ی بوم‌شناسی اجتماعی و مورای بوکچین، مسیر سیاسی و تعهد اجتماعیِ اندیشه‌ی بوکچین را که با شکست‌های سده‌ی بیستم در ارتباط مستقیم و برخاسته از آنهاست بر می‌رسد. بطور خلاصه می‌توان گفت که بوکچین برای رسیدن به دمکراسیِ واقعی مفهوم «شهرداریِ لیبرتر» را پیشنهاد می‌دهد که مبتنی خواهد بود بر سپردن قدرتِ اداره‌ی جوامع به شهرداری‌ها، به سطح شهر و محله‌ها و در واقع تغییر کانون قدرت از دولت-ملت به شهر. رومرو در کتابش، به بازسازی محیط‌های محلی به شیوه‌های دمکراتیک که دمکراسی را در پایین‌ترین سطوح جامعه می‌گسترند می‌پردازد، سپس تحلیلش را علیه خصوصی‌سازی منابع طبیعی و انسانی پی می‌گیرد.

گرابر و لوشر در اثر جمعی که مسئولیت گردآوریش را به عهده داشته‌اند، در نقدشان به فرآیند خصوصی‌سازی طبیعت، و کوشش‌های کلان ثروتمندان برای قانونی کردن آن، ایده‌ی «انبازه(commun)» را پیش می‌کشند که پراتیکی است مخالف خصوصی‌سازی و مبتنی است بر اشتراک منابع طبیعی و انسانی در سطح شهر.

توجه به مشکلات محیط‌زیستی، نظام اجتماعی و روش زندگی که با خود می‌آورد، محل ستیز بین اقتصاد و محیط‌زیست شده است. از یک‌سو، نگاهی به اقتصاد هست که دنیا را انبار بزرگی از مواد و تجهیزات می‌داند با عقلانیت ابزاری، از سوی دیگر، دانش محیط‌زیستی که رابطه‌ی «طبیعی» انسان با محیط اطرافش را عمده می‌کند و کمتر به روابط اجتماعی توجه دارد. الن دونو در اثرش، اقتصاد طبیعت، پاورقی نظری ۱، ابتدا می‌گوید که اقتصاد در اساس به معنای «مطالعه‌ی محیط زندگی فرد به‌طور کلی» است و عبارت «اقتصاد طبیعت» در سده‌ی هژدهم هم به‌کار می‌رفته و از آن برای توصیف رابطه‌ی متقابل انواع در شبکه‌ی ارتباطی‌شان استفاده می‌شده، به این ترتیب نظریه‌یی که معتقد بود کشاورزی تنها منبع ثروت است زاده شد. او سپس تاریخ توانمند سازی علوم اقتصادی را که موجب تثبیت سرمایه‌داری و کالایی شدن تدریجیِ منابع طبیعی شد بر می‌رسد. از اینجا و در مخالفت با این روش، به آرای بوکچین و ضرورت عملی شدن «بوم‌شناسی اجتماعی» می‌رسد که به‌نظر او اقتصاد را به هدف اساسی و اولیه‌اش که برهم‌کنش مستقیم و بی‌واسطه و بلافصل انسان با محیط اطرافش باشد رهنمون می‌شود.

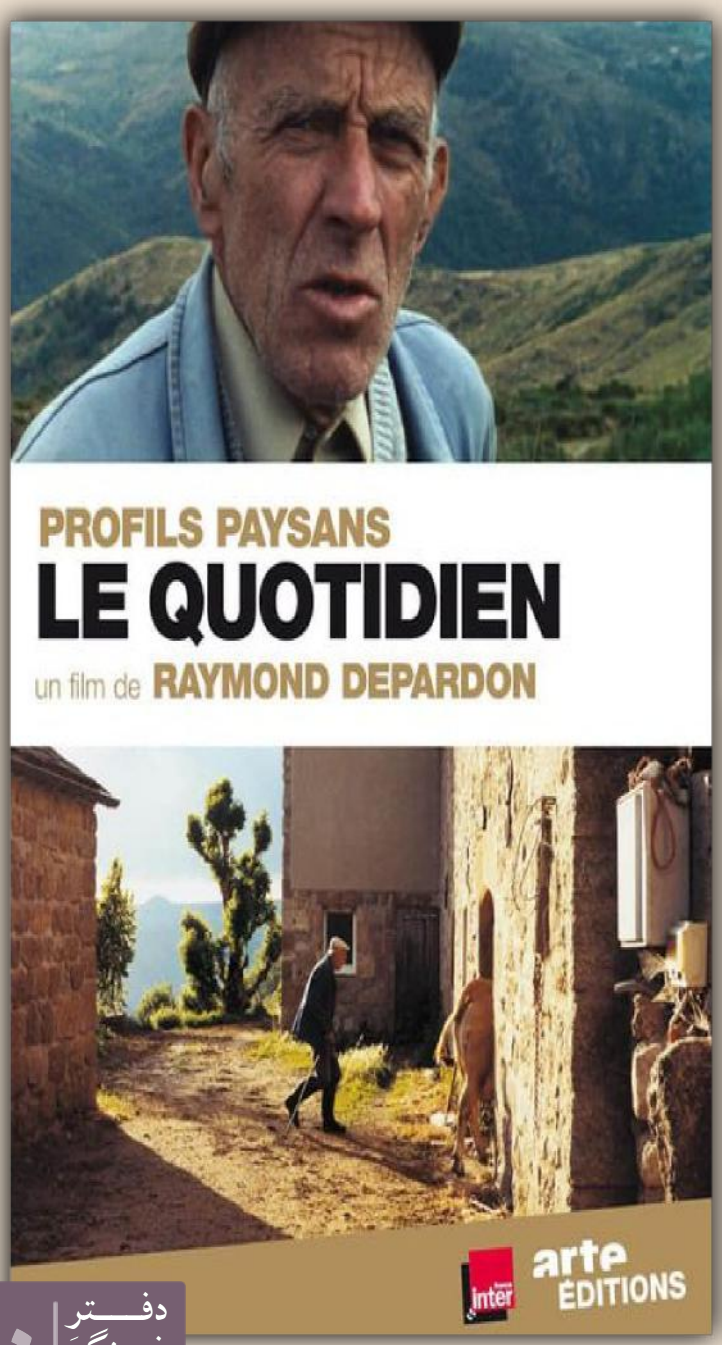

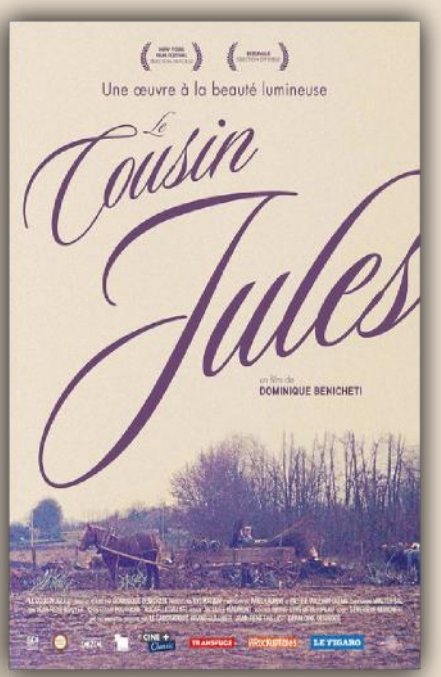

فیلم مستند و داستانی (دی‌وی‌دی)

1. Raymond Depardon, *Profils paysans*, la trilogie. Arte Vidéo, 2009.
2. Dominique Benicheti, *Le Cousin Jules*, Carlota Films, 2015, 91 min.
3. Georges Rouquier, *Farrebrique et Briquefarre*, DC productions, 2013, 90 min.

سینما اختراعِ زندگی شهری است. برادران لومیر هم برای اولین فیلم‌شان صحنه‌ی خروج کارگران از کارخانه را برگزیدند. اما سینما از نمایش دنیای روستایی نیز غافل نمانده است. رمون دُپاردُن، عکاس نامیِ فرانسویِ عضو آژانس مگنوم، که در جایی نوشته سال‌ها در برابر وسوسه‌ی فیلم‌سازی مقاومت می‌کرده، در سه‌گانه‌یی که در سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ از اقصا نقاط فرانسه ساخته بیش از هر چیز روند شهری شدن زندگی روستایی را به نمایش می‌گذارد. او که قاب‌های فیلمش بویژه از مکان‌ها چشم‌نواز و گیراست، از خانه‌ها و اتاق‌ها و آشپزخانه‌ها و نه فقط از آنها که از اسطبل‌ها و طویله‌ها که هرسال خالی‌تر و کوچک‌تر می‌شوند فیلم گرفته و از حسی از تنهایی نزد دامداران در مراتع پهناور می‌گوید که عبارت است از احساس توامان لذت از کار و حسرت از تغییر موقعیت زندگی‌شان.

فیلم عمو ژول به کارگردانی دومینیک بنیکتی، داستان دو روز از زندگی ژول، آهنگر ده و زنش فلیسی را پیش و پس از مرگ زن روایت می‌کند. آنها پذیرفته بودند که جلوی دوربین زندگی روزمره‌شان ثبت بشود. فیلم که ساختاری مستند-داستانی دارد ساخته‌ی سال ۱۹۷۳ است. فلیسی که می‌میرد ژول دیگر آهنگری نمی‌کند اما باید به مرغ‌ها غذا بدهد. با مرگ زن گویی زندگی در روستا هم بوی تنهایی گرفته است.

ژرژ رُکیه، در فیلم سیاه‌وسفید فاربیک یا چهار فصل، نه زندگی یک خانواده بلکه زندگی ساکنان روستایی به‌نام فاربیک را در جنوب فرانسه در طی چهار فصل از سال روایت می‌کند. چهره‌ها، ژست‌ها، اطوارها چه زیبا در این فیلم به نمایش در آمده‌اند. و البته مدرنیزاسیونی که از همان سال ۱۹۴۵ (سال ساخت فیلم) در این روستای دور افتاده نبضش می‌زند. فیلم‌ساز ۳۸ سال بعد بر می‌گردد (۱۹۸۳) و فیلم دومی می‌سازد اما دیگر همه‌چیز تغییر کرده: کشاورزی صنعتی شده و کشاورزان باید زمین‌های‌شان را به کارتل‌های کشاورزی بفروشند. و ... هرچند عشق آنری به ماریا هست اما خب بیماری روش هم هست.

کتاب

Yohan Dubigeon, *La démocratie des conseils. Aux origines modernes de l'autogouvernement*, Klincksieck, Paris, 2017.

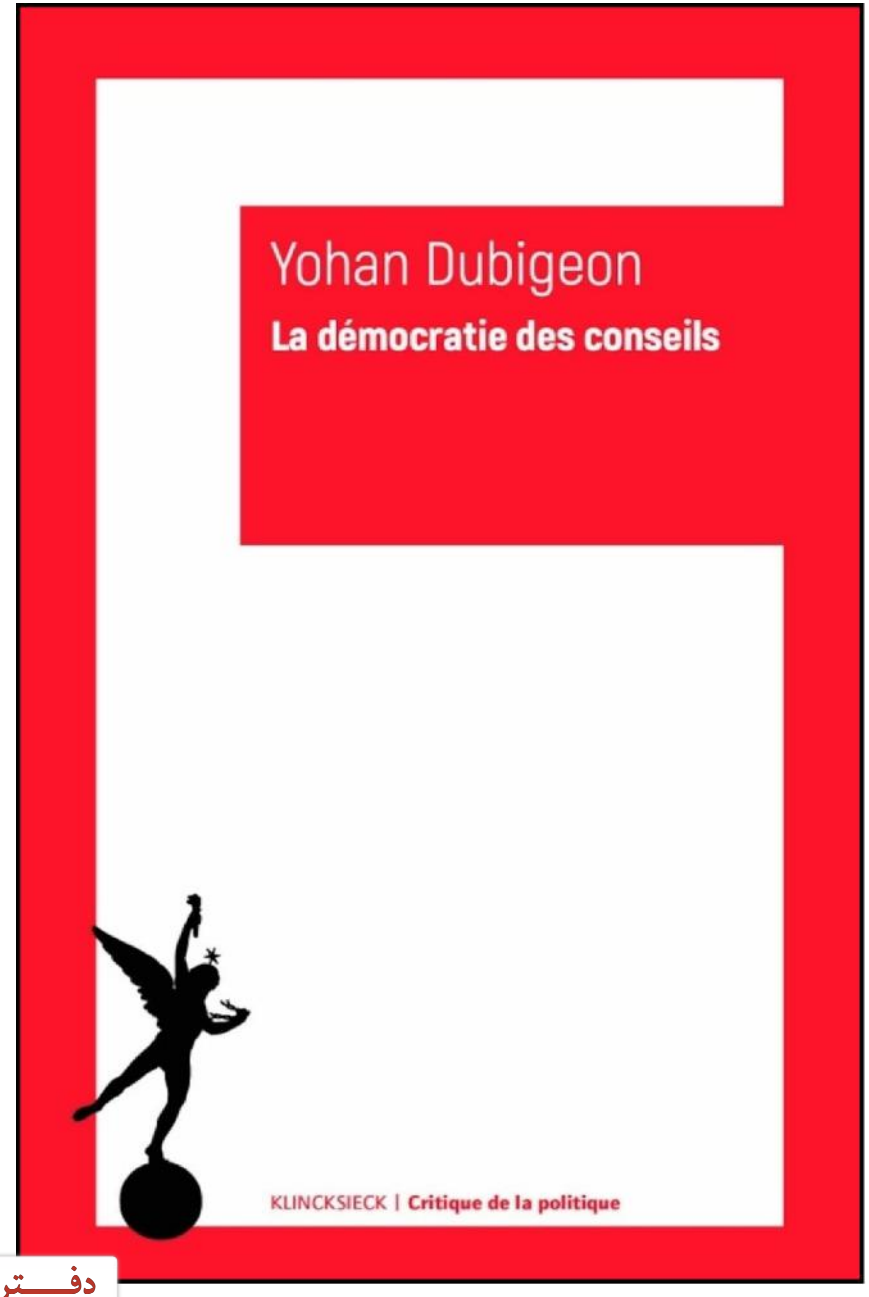

کتاب دمکراسی شورایی، بررسی خاستگاه مدرن خودگردانی، تجربه‌ی شوراهای کارگری را در طی پنجاه سال از ۱۸۷۱ تا ۱۹۲۱ تحلیل می‌کند، هرچند نیم‌نگاهی هم به دوره‌ی معاصر دارد. مولف اثر، یوهان دوبیژُن، شوراهای کارگری را کانون دمکراسی از پایین و اهرم گذار اجتماعی می‌داند و بر آن است که ویژگی دمکراسی شورایی عبارت است از مخالفتش با همه‌ی شکل‌های سوسیالیسم دولتی. او این ویژگی‌ها را در کمون پاریس، شوراهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه، انقلاب ۱۹۱۹ آلمان و شوراهای ۱۹۵۶ مجارستان وامی‌کاود. اهمیت کتاب در این است که گرچه می‌توان آن را اثری نظری محسوب کرد، از تجربه‌های عملی غافل نمانده، نظریه‌ها را در کوران تجربه‌های گذشته و حال بررسی کرده است: در عین حال که جا به جا از آرای متفکرانی چون آنتون پانه‌کوک، کارل کُرش، کورنلیوس کاستوریادیس، میگل ابنسور و ... بهره می‌برد، برای تایید تحلیل‌هایش از دمکراسی خودگردانِ زاپاتیستا یا جنبش‌های متعدد و متفاوت اشغالِ مکان‌های عمومی که وجه مشخصه‌شان اتکای به خود به‌معنیِ اصرار به آلوده نشدن به سیاستمداران حرفه‌یی است، شاهد می‌آورد.

کتاب در سال ۲۰۱۷ منتشر شده و ما می‌توانیم بعضی از تحلیل‌هایش را به جنبش جلیقه زردها در فرانسه تعمیم بدهیم. دوبیژن می‌نویسد: «آن مواقع دمکراسی شورایی، بستری به‌تمام معنی مدرن از مساله‌ی دمکراتیک را فراهم آوردند که با بسترهای حکومتِ نمایندگی در معنای لیبرال و جمهوری‌خواهش نه فقط متفاوت بلکه خارج از آنها بودند.»